**تاثیرکیفیت و اندازه کمیته حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران**

**چکیده :**

انعطاف‌پذیری استانداردهای حسابداری در بکارگیری روش های حسابداری باعث ترغیب مدیران و شرکتها در ارائه گزارشهای مالی هدفمند و اعمال روشهای هوشمندانه مدیریت سود گردیده است. با توجه به اینکه عدم تقارن اطلاعاتی یکی از پیش فرض های مدیریت سود می باشد،این پژوهش به بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی شرکت بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می پردازد . سطح عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها با استفاده از تفاوت بین قیمت پیشنهادی خرید و فروش و میزان مدیریت سود شرکت‌ها با استفاده از مدل جونز تعدیل شده اندازه‌گیری شد . دوره زمانی مورد مطالعه سالهای 1390 الی 1394 و حجم نمونه برابر با 144 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. همچنین نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان داد عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نیز دارای تاثیر گذاری معنی دار می باشد و متغیرهای تعدیل گر کیفیت حسابرسی (اندازه حسابرس و تخصص حسابرس) و اندازه کمیته حسابرسی دارای تاثیر معنا داری بر رابطه متغیر مستقل و وابسته نمی باشند.

**واژه های کلیدی :**

عدم تقارن اطلاعاتی – مدیریت سود – کیفیت حسابرسی – اندازه کمیته حسابرسی – اقلام تعهدی

**مقدمه**

گزارشات و صورت های مالی منبعی برای اطلاعات مالی هستند که طرف های مختلفی شامل مدیران شرکتها و استفاده کنندگان برون سازمانی از آن استفاده می کنند. کارکنان و مدیران شرکتها به دلیل دسترسی مستقیم به اطلاعات محرمانه شرکت ، نسبت به اتفاقات داخل شرکت نیز آگاه هستند، به نحوی که میزان وابستگی آنها به اطلاعات حاصله از گزارشات مالی در قیاس با استفاده کنندگان برون سازمانی که اطمینان و قاطعیت کمتری نسبت به شرکت دارند، کمتر است (رحاماواتی و کوماریاح[[1]](#footnote-1)، 2007). در چنین موقعیت هایی شکاف های اطلاعاتی ایجاد میگردد که اصطلاحاً به آن عدم تقارن اطلاعاتی گفته می شود، و در آن یک عدم توازن بین نحوه و میزان اکتساب اطلاعات توسط مدیران به عنوان یک تأمین کننده ی اطلاعات و مجموعه سهامداران به عنوان استفاده کنندگان برون سازمانی از اطلاعات وجود دارد (تانور[[2]](#footnote-2)، 2009). شرکت هایی که نرخ بالای سرمایه گذاری دارند، عدم تقارن اطلاعاتی بالاتری دارند، و این منجر به ایجاد فرصت های مضاعف جهت اقدامات مدیریت سود می گردد، به این صورت که، هر چه تقارن اطلاعاتی بیشتر باشد، پتانسیل بیشتری برای انجام اقدامات مربوط به مدیریت سود در شرکت فراهم می شود (ایستیانگسی و هری[[3]](#footnote-3) 2017). استانداردهای حسابداری با هدف تسهیل تجزیه و تحلیل عملکرد مالی و ارائۀ مطالعات دقیق به بازار ارائه شده اند. در ﺳﺎلﻫﺎي اﺧﻴﺮ در ﺣﻮزه ﺗﺤﻘﻴﻘﺎت ﺣﺴـﺎﺑﺪاري، ﻣﻮﺿﻮع ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﺳﻮد به دلیل اهمیت دو چندان ، ﻣﻮرد ﺗﻮﺟﻪ ﻣﺤﻘﻘﺎن و پژوهشگران بسیاری ﻗﺮار ﮔﺮﻓﺘﻪ اﺳﺖ. بررسی ها نشان میدهد ﻣﺪﻳﺮان اﻏﻠﺐ ﺑﻪ ﻣﻨﻈﻮر ﮔﻤﺮاه ﻛﺮدن ﺳﻬﺎﻣﺪاران و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده خود ، ﺳﻮد را ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﻣﻲﻛﻨﻨﺪ. شفافیت و ﻣﻴﺰان اﻃﻼﻋﺎت استفاده کنندگان ﺑﺮون ﺳﺎزﻣﺎﻧﻲ در راﺑﻄﻪ ﺑﺎ ﻋﻤﻠﻜﺮد مالی و عملیاتی ﺷﺮﻛﺖ نیز از عوامل محدود کننده مدیریت سود اﺳﺖ . مادامیکه ﺳﺮﻣﺎﻳﻪﮔﺬاران تصمیم به سرمایه گذاری در یک شرکت میگیرند علاوه بر بررسی میزان ﺳﻮد پیش بینی شده و ﮔـﺰارش ﺷﺪه ﺗﻮﺳﻂ شرکت، ﺑـﻪ ﺳـﺎﻳﺮ اﻃﻼﻋـﺎت ﻋﻤـﻮﻣﻲ و عملیاتی ﻣﻨﺘﺸـﺮ ﺷـﺪه در ﻣـﻮرد ﺷـﺮﻛﺖ ﻧﻈﻴـﺮ ﺗﺤﻠﻴﻞ های ﻣﺎﻟﻲ، اطلاعات ﺗﺨﺼﺼﻲ ﺻﻨﻌﺖ و ﻧﻈﺎﻳﺮ آن را نیز مورد جستجو و پژوهش قرار خواهند داد. از اﻳﻦ رو، هر چه این اطلاعات و منابع خارجی به صورت شفاف تر و دقیق تر پیش بینی های لازم را میسر سازد ، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکتها و سرمایه گذاران نیز کاهش خواهد یافت و در نتیجه احتمال توانایی شرکت در مدیریت سود نیز کاهش می یابد ، در جهت مخالف هر گاه عدم تقارن اطلاعاتی بالاست ، نشان از آن است که ذی نفعان و سهامداران برون سازمانی اطلاعات لازم و کافی برای کشف مدیریت سود نیز نخواهند داشت در حقیقت هر چه تقارن اطلاعاتی بین مدیران و استفاده کنندگان برون سازمانی بیشتر باشد ، مدیران دارای انگیزه های بیشتر جهت مدیریت سود خواهند بود زیرا از شکاف موجود میتوانند به اهداف از پیش تعیین شده خود نیز دست یابند (تحریری و همکاران،1393). پژوهش حاضر ضمن ارزیابی ﺗﺄﺛﻴﺮ ﻣﻴﺰان ﻋﺪم ﺗﻘﺎرن اﻃﻼﻋﺎﺗﻲ ﻣﻮﺟﻮد در ﺑﺎزار ﺳﺮﻣﺎﻳﻪ ﺑﺮ ﺳﻮدﻫﺎي ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﺷﺪه ، به بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر رابطه میزان عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود می پردازد. پیش بینی می شود حسابرسی باکیفیت و همچنین کمیته حسابرسی با اندازه بزرگتر که دارای تخصص می باشند ، باعث کاهش وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین فعالین خواهند بود و از مدیریت سود توسط مدیران جلوگیری به عمل می آورند.

**مبانی نظری و پیشینه پژوهش :**

در سالهای اخیر و پس از بحران های مالی که اقتصادهای کشورهای مختلف را تحت تاثیر خود قرارداده بود، اهمیت ارائه اطلاعات دقیق و کامل که منجر به تصمیم گیری های بهینه شود بیش از پیش نمایان گردید، از جمله موارد با اهمیت در تصمیم های سرمایه گذاری، شفافیت سودهای گزارش شده و میزان مدیریت سود مذکور می باشد. پیش بینی ها بر این اساس است که در ﺷﺮاﻳﻂ وجود ﻋﺪم ﺗﻘﺎرن اﻃﻼﻋﺎﺗﻲ، اعمال دستکاری و ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﺳﻮد توسط مدیران ﺗﺴـﻬﻴﻞ ﻣـﻲﺷـﻮد، زﻳـﺮا ﻣـﺪﻳﺮان ﻣﻲﺗﻮاﻧﻨﺪ در ﺟﻬﺖ اﻓﺰاﻳﺶ ﻣﻨﺎﻓﻊ و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده خود ﺑﺎ ﻫﺰﻳﻨﻪ ﺳﻬﺎم داران، ﻓﺮﺻﺖ ﻃﻠﺒﻲ ﺑﻴﺸﺘﺮي داﺷﺘﻪ ﺑﺎﺷﻨﺪ. در ﺣﻘﻴﻘﺖ، تصمیمات ﺳﻬﺎم داران در شرایطی اتخاذ میگردد که اطلاعات آنها نیز به طور کامل عملکرد اقتصادی و واقعی شرکت را گزارش نمی نماید. وجود عدم تقارن اطلاعاتی مدیران را قادر می سازد تا سودهای حاصل شده را با مدیریت بیشتری ارائه نمایند. ﻫﻨﮕـﺎﻣﻲ ﻛـﻪ ﻋـﺪم ﺗﻘﺎرن اﻃﻼﻋﺎﺗﻲ زﻳﺎد اﺳﺖ، ذي ﻧﻔﻌﺎن ﻣﻨﺎﺑﻊ، اﻧﮕﻴﺰه ﻳﺎ دﺳﺘﺮﺳﻲ ﺑﻪ اﻃﻼﻋﺎت ﻣﺮﺑﻮط ﺑـﺮاي ﻧﻈـﺎرت ﺑﺮ ﻋﻤﻠﻜﺮد و اﻋﻤﺎل ﻣﺪﻳﺮان را ﻧﺪارﻧﺪ، ﺑﻨﺎﺑﺮاﻳﻦ ﭘﺪﻳﺪه ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﺳﻮد ﺷﺎﻳﻊ ﺗﺮ اﺳﺖ (ﺷﻴﭙﺮ[[4]](#footnote-4)، 1989 و وارﻓﻴﻠﺪ[[5]](#footnote-5) و ﻫﻤﻜﺎران، 1995). ﻣﺪل ﻫﺎي ﺗﺤﻠﻴﻠﻲ ﻧﺸﺎن داده اﻧﺪ ﻛﻪ وﺟﻮد ﻋﺪم ﺗﻘﺎرن اﻃﻼﻋﺎﺗﻲ ﺑـﻴﻦ ﻣﺪﻳﺮان و ﺳﻬﺎم داران ﺷﺮط ﺿﺮوري ﺑﺮاي ﻋﻤﻠﻴـﺎت ﻣـﺪﻳﺮﻳﺖ ﺳـﻮد اﺳـﺖ (داي[[6]](#footnote-6) 1988، ﺗـﺮوﻣﻦ و ﺗﻴﺘﻤﻦ[[7]](#footnote-7) 1988 و ﭼﻨﻲ و ﻟﻮﻳﻴﺰ[[8]](#footnote-8) 1995).

نتایج تحقیقات پیشین حاکی از اثر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود بوده است (ریچاردسون[[9]](#footnote-9)، 1998، رحماواتی و کوماریاح، 2007، مولیاتی[[10]](#footnote-10)، 2011). رحماواتی و کوماریاح (2007). البته، با توجه به نظریه اقتضایی (نظریه موقعیت) که بیان میکند هیچ سیستم جهانی ای وجود ندارد که قادر باشد همیشه در همه سازمان ها و در هر منطقه ای قابل اجرا باشد، این شرایط نیز می تواند دستخوش تغییرات گردد (مرچانت[[11]](#footnote-11)، 1981). به همین دلیل، ماهیت رابطه ی بین عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود در هر منطقه ای می تواند متفاوت باشد.

طبق دیدگاه نظریه اقتضایی، یک متغیر شرطی وجود دارد که می تواند از طریق یک متغیر تعدیل کننده برای بررسی کردن پایداری اثر عدم تقارن اطلاعات بر مدیریت سود شکل بگیرد. یکی از فاکتورها و عواملی که می تواند ثبات و پایداری این شرایط را تحت تأثیر قرار دهد، مکانیسم های مختلف حاکمیت شرکتی برای یک سازمان است. بنابراین، می توان از مکانیسم های حاکمیت شرکتی مانند وجود سرمایه گذاران نهادی به عنوان یک متغیر تعدیل کننده در رابطه ی بین عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود استفاده نمود. پیش بینی می شود که مکانیسم های حاکمیت شرکتی به عنوان یک متغیر تعدیل کننده بر رابطه ی بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود اثرگذار باشد.

مکانیسم های حاکمیت شرکتی به جهت اطمینان از جریان صحیح اقدامات سازمان بر طبق اهداف از پیش تعیین شده آن، مورد نیاز می باشد (سیاخروزا[[12]](#footnote-12)، 2005). مکانیسم های حاکمیت شرکتی یک قانون و یک رویه است. یک پیوند دهنده میان تصمیم گیرندگان با مدیر، در این جهت که اطمینان حاصل گردد که سیستم اداره ی سازمان در مسیر صحیح خود قرار گرفته است. مکانیسم های حاکمیت شرکتی را می توان به سه دسته تقسیم نمود: مختص شرکت، مختص کشور، و مکانیسم حاکمیت بازار.

می توان با مکانیسم و نقش نظارتی ای که هیئت مدیره و کیفیت حسابرسی ایفا می کنند، اقدامات مربوط به مدیریت سود را به حداقل رسانید (هرواتی13 2008). بنا به نظر ناسوشن و ستیوان ، حاکمیت شرکتی مفهومی است که مطرح شده است تا عملکرد شرکت را با کنترل و نظارت عملکرد مدیریت ارتقا دهد، و مسئولیت پذیری و پاسخگویی مدیریت نسبت به سهامداران طبق چارچوب ضوابط را تضمین نماید. با نگاه به مسئله ی حاکمیت شرکتی از طریق اقدامات نظارتی، مدیریت می تواند یک گزارش مالی صحیح را ارائه، و در نتیجه اقدامات مدیریت سود را کاهش دهد، مشروط به اینکه فرصت هایی برای این حرکت وجود داشته باشد.

پژوهش های خارجی و داخلی مختلفی تا کنون به بررسی میزان تاثیر گذاری عدم تقارن اطلاعاتی و همچنین عوامل محدود کننده مدیریت سود پرداخته اند.

ایستیانگسی و هری (2017) در پژوهشی به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی به عنوان یک متغیر تعدیل کننده بر رابطه ی بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود پرداختند. نتایج آنها نشان داد عدم تقارن اطلاعاتی تاثیر مثبتی بر مدیریت سود دارد. یافته های آنها نشان می دهد اندازه شرکت قادر است این رابطه را تعدیل نماید در حالی که سایر مکانیزم های حاکمیت شرکتی نظیر اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی هیچ اثری بر رابطه ی بین عدم تقارن اطلاعات و مدیریت سود ندارند.

سینان[[13]](#footnote-13) و همکاران (2016) در پژوهشی به بررسی کیفیت حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در کشور اردن پرداخته اند. پژوهش آنها نشان داد وجود ابزارهای حاکمیت شرکتی باعث افزایش مدیریت سود میگردد.

پتاچی[[14]](#footnote-14) (2015) در مطالعۀ خود به بررسی اثر عدم تقارن اطلاعاتی بر ساختار سرمایه پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد سطح بدهی شرکت هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری نسبت به سایر شرکتها دارند، بیشتر است. به عبارت دیگر مدیران در مواجهه با افزایش هزینۀ سرمایه، به منظور دستیابی به نسبت اهرمی هدف، بیشتر بر بدهی ها تکیه می کنند.

هان و زان[[15]](#footnote-15) (2014 ) با مطالعۀ بازار اوراق قرضۀ شرکتی در امریکا، دریافتند که با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، احتمال گزینش اشتباه اوراق قرضۀ شرکتی نامناسب بالا میرود و از طرفی، میزان عدم تقارن اطلاعاتی شرکتها، رابطۀ معناداری با بازده آنها دارد؛ به طوری که بازده شرکت های با عدم تقارن اطلاعاتی بالا، پراکنده تر و ریسکی تر است.

ﻓﯿﻮ[[16]](#footnote-16) و ﻫﻤﮑﺎران (2014) در ﭘﮋوﻫﺸﯽ ﺗﺤﺖ ﻋﻨﻮان "ﻓﺮاواﻧﯽ ﮔﺰارش ﻫﺎي ﻣﺎﻟﯽ، اﻃﻼﻋﺎت ﻧﺎﻣﺘﻘﺎرن و ﻫﺰﯾﻨﻪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪ" ﺑﻪ ﺑﺮرﺳﯽ راﺑﻄﻪ ﺑﯿﻦ ﺳﻪ ﻣﺘﻐﯿﺮ ﭘﺮداﺧﺘﻨﺪ. ﻧﺘﺎﯾﺞ ﺗﺤﻘﯿﻖ آن ﻫﺎ ﻧﺸﺎن داد ﮐﻪ ﻓﺮاواﻧﯽ ﮔﺰارش ﻫﺎي ﻣﺎﻟﯽ ﺑﯿﺸﺘﺮ ﺑﺎﻋﺚ ﮐﺎﻫﺶ اﻃﻼﻋﺎت ﻧﺎﻣﺘﻘﺎرن و ﻫﺰﯾﻨﻪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪ ﺧﻮاﻫﺪ ﺷﺪ و ﺑﺎ ﮔﺬﺷﺖ زﻣﺎن ﺗﺎﺛﯿﺮ آن ﺑﺮ ﮐﺎﻫﺶ اﻃﻼﻋﺎت ﻧﺎﻣﺘﻘﺎرن و ﻫﺰﯾﻨﻪ ﺳﺮﻣﺎﯾﻪ ﺑﯿﺸﺘﺮ ﺧﻮاﻫﺪ ﺷﺪ.

لین[[17]](#footnote-17) و همکاران (2014) در پژوهشی، رابطه بین سرمایه گذاران نهادی، حاکمیت شرکتی و مدیریت سود را بررسی کردند. نتایج آنان نشان داد با افزایش حاکمیت شرکتی، مدیریت سود افزایش می یابد. همچنین بین مدیریت سود و سرمایه گذاران نهادی رابطه منفی برقرار است.

کارمیر[[18]](#footnote-18) و همکاران (2013) در تحقیق خود بین 569 شرکت کانادایی و آمریکایی طی دوره 2001 تا 2005 به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی ارتباط مثبتی برقرار است و پیچیدگی و عدم اطمینان محیطی منجر به تشدید ارتباط بین مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری و عدم تقارن اطلاعاتی می باشد.

در ایران نیز اگر چه تا کنون در رابطه با تاثیر درصد مالکیت سهامداران کنترلی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود پژوهش مشخصی انجام نشده است لکن به دلیل اهمیت موضوع، متغیرهای پژوهش نیز در پژوهش های مختلف به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

قالیباف اصل و ولی زاده (1395) به پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین سیاست تقسیم سود با عدم‌تقارن اطلاعاتی و نقدشوندگی سهام پرداختند. برای این منظور نمونه متشکل از 45 شرکت برای سالهای 1388 الی 1393 مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش آنها نشان می دهد اطلاعات نامتقارن برای تحلیل گران مالی و سرمایه گذاران بسیار مهم است زیرا این احتمال وجود دارد که مدیران شرکت ها در رابطه با ارزش واقعی شرکت، بیشتر از سرمایه گذاران اطلاعات داشته باشند و اطلاعات را با تقسیم سود به بازار انتقال دهند.

خواجوی و همکاران (1395) به پژوهشی با عنوان تأثیر خودشیفتگی مدیران بر مدیریت سود و عملکرد مالی پرداختند. برای این منظور نمونه ای متشکل از 52 شرکت برای سالهای 1382 الی 1393 در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آنها حاکی از آن است که هراندازه که مدیران از خودشیفتگی بالاتری برخوردار باشند برای نمایش عملکرد مالی مطلوب در کوتاه‌مدت به ذی‌نفعان، بیش‌تر به سمت‌ و سوی فعالیت‌های مرتبط با مدیریت سود سوق پیدا خواهند کرد.

شیری و همکاران ( 1395 ) به ارزﻳﺎﺑﻲ ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﺳﻮد در ﺳﻄﻮح ﻣﺨﺘﻠﻒ ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﻛﺎري و ﺳﺮﻣﺎﻳﻪﮔﺬاران ﻧﻬﺎدي ﺑﺎ اﺳﺘﻔﺎده از ﻗﺎﻧﻮن ﺑﻨﻔﻮرد پرداختند. آنها ﺑا بررسی دادهﻫﺎي ﺻﻮرتﻫﺎي ﻣـﺎﻟﻲ ﺣﺴﺎﺑﺮﺳـﻲ ﺷـﺪه 105 شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره یازده ساله بین سالهای 1382 الی 1392 دریافتند که ﺑـﺎ اﻓـﺰاﻳﺶ ﺳـﺮﻣﺎﻳﻪ ﮔـﺬاران ﻧﻬﺎدي، ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﺳﻮد اﻓﺰاﻳﺶ ﻣﻲﻳﺎﺑﺪ. ﻫﻤﭽﻨﻴﻦ، ﻧﺘـﺎﻳﺞ ﭘـﮋوﻫﺶ آنها ﺣـﺎﻛﻲ از آن اﺳـﺖ ﻛـﻪ ﺳـﻄﻮح ﻣﺨﺘﻠﻒ ﻣﻴﺰان ﻣﺤﺎﻓﻈﻪﻛﺎري، ﺗﺄﺛﻴﺮي در ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﺳﻮد ﻧﺪارد.

جنانی و آبخیز (1395) در پژوهشی به بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی، محافظه کاری حسابداری و

کارایی سرمایه گذاری پرداختند. برای این منظور نمونه ای متشکل از 110 شرکت پذیرفته شده در بورس

اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی 1387 الی 1393 مورد بررسی قرار گرفت. یافته های آنها نشان داد محافظه کاری، دارای منافع اطلاعاتی است که موجب کارایی سرمایه گذاری می شود.

باباجانی و همکاران (1393) به بررسی راﺑﻄﻪ ﺑﻴﻦ ﻋﺪم ﺗﻘﺎرن اﻃﻼﻋﺎﺗﻲ و ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﺳﻮد پرداختند که پژوهش آنها دربرگیرنده 119 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سالهای 1380 الی 1388می باشد. آنها بر اساس این باور که وجود عدم تقارن اطلاعاتی یکی از پیش شرط های امکان مدیریت سود می باشد دریافتند ﺷﺎﺧﺺ ﻋﺪم ﺗﻘﺎرن اﻃﻼﻋﺎﺗﻲ ﻛﻪ با ﺗﺮﻛﻴﺒﻲ از ﭘﻨﺞ ﺳﻨﺠﻪ اﻧﺘﺨﺎﺑﻲ حجم معاملات – نوسان قیمت سهام – نسبت قیمت به سود – تعداد روزهای معاملاتی و عمرشرکت سنجیده شده است ، ﺑﺮ ﻣﻴﺰان ﻣﺪﻳﺮﻳﺖ ﺳﻮد ﺗﺄﺛﻴﺮي ﻣﺜﺒﺖ و ﻣﻌﻨﺎدار دارد.

بر اساس بررسی های انجام شده ظاهرا تحقیقی که در ايران به بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود با نقش تعدیل کنندگی درصد مالکیت سهامداران نهادی به عنوان یک مکانیسم حاکمیت شرکتی پرداخته باشد تاکنون انجام نشده است، از اينرو تحقیق حاضرمی تواند در اين رابطه به دانش حسابداری بیافزايد.

**فرضیه پژوهش :**

پس از طرح پرسش و انجام مطالعات مقدماتی درباره جواب­های ممکن برای پاسخ به پرسش­ مطرح شده، فرضیه­ ذيل تدوین شده است:

1. عدم تقارن اطلاعاتي، بر مديريت سـود تـاثير معناداري دارد.
2. کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

2-1- اندازه حسابرس بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

2-2- تخصص مالی حسابرس بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

3- اندازه کمیته حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر معناداری دارد.

**روش شناسی پژوهش**

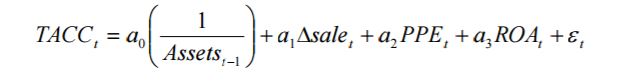
پژوهش ﺣﺎﺿﺮ از ﻧﻮع پژوهشهای ﭘﺲ روﻳﺪادي اﺳﺖ ﻛﻪ ﺑﺮ اﺳﺎس ﺗﺠﺰﻳﻪ و ﺗﺤﻠﻴـﻞ داده ﻫـﺎي مشاهده شده اﻧﺠﺎم ﻣﻲﺷﻮد. ﺑﻪ ﻋﻼوه اﻳﻦ پژوهش ﺑﻪ ﻟﺤـﺎظ ﻫـﺪف، ﺗﻮﺻـﻴﻔﻲ اﺳـﺖ زﻳـﺮا ﻗﺼـﺪ ﺗﻮﺻﻴﻒ رواﺑﻄﻲ ﺑﻴﻦ دو ﻳﺎ ﭼﻨﺪ ﻣﺘﻐﻴﺮ را دارد. در ﻧﻬﺎﻳﺖ ﻣﻲﺗﻮان ﮔﻔﺖ ﻛـﻪ پژوهش ﭘﻴﺶ رو ﺑﺮ اﺳﺎس ﻧﻮع ﺟﻤﻊ آوري داده ﻫﺎ در ﻗﺎﻟﺐ ﻣﻄالعات ﻣﻴﺪاﻧﻲ ﻗﺮار ﻣﻲﮔﻴـﺮد زﻳـﺮا ﻣﺤﻴﻂ واﻗﻌﻲ اﺳﺖ، ﭘﮋوﻫﺶ ﮔـﺮ روي ﻣﺘﻐﻴﺮﻫـﺎ ﻛﻨﺘـﺮل ﻧـﺪارد و در ﺟﻤـﻊ آوري آن ﻫـﺎ ﻣﺸـﺎرﻛﺖ ﻣﺴﺘﻘﻴﻢ ﻳﺎ ﻏﻴﺮ ﻣﺴﺘﻘﻴﻢ ﻧﺪارد (آﻧﺮا ﺗﻮﻟﻴﺪ ﻧﻤﻲﻛﻨﺪ). در اين پژوهش اطلاعات مورد نیاز برای بیان کلیات به روش کتابخانه ای جمع آوری شده است. داده های کمی مورد نیاز از صورتهای مالی شرکتهای پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استخراج شده و همچنین جمع آوری سایر اطلاعات مربوطه با استفاده از نرم افزارهای تدبیرپرداز، نرم افزارهای ره آورد نوین، سایت سازمان بورس، سایت شرکتها و گزارش فعالیت هیأت مدیره شرکت ها صورت پذیرفته است. داده ها از طريق نرم فزار اکسل طبقه بندی گردیده و تجزيه و تحلیل نهايی نیز به کمک نرم افزار اقتصاد سنجیEviews9 انجام شده است. جامعه آماري اين پژوهش شامل کليه شرکتهاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای یک دوره ی زمانی 4 ساله از سال 1391 تا پایان سال 1394 ميباشد. نمونه آماري عبارت است از تعداد محدودي از آحاد جامعه آماري که بيان کننده ويژگي هاي اصلي جامعه باشد (آذر و مؤمنی، 1389، ص5). در این پژوهش از روش حذف سیستماتیک برای انتخاب نمونه آماری استفاده شده است. براي اين منظور 4 معيار زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده و مابقی حذف می شوند.

1. شرکت قبل از سال 1391 در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال 1394 در بورس فعال باشد.
2. به دلیل ماهیت خاص فعالیت شرکت های هلدینگ، بیمه، لیزینگ، بانک ها، موسسات مالی و سرمایه گذاری و تفاوت قابل ملاحظه آنها با شرکت های تولیدی و بازرگانی، شرکت انتخابی جز شرکت‌های یاد شده نباشد.
3. سال مالی شرکت منتهی به 29 اسفند باشد و طی بازه زمانی تحقیق تغییر سال مالی نداشته باشد.
4. اطلاعات مالی شرکت‌ها در دسترس باشد.

بعد از مدنظر قرار دادن کليه معيارهاي بالا، تعداد 144 شركت باقیمانده است. که همه آن ها به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شده اند. بنابراین مشاهدات ما طی بازه زمانی پژوهش 576 سال-شرکت می باشد.

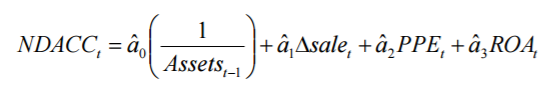
**متغیر ها و مدل پژوهش:**

**متغیر وابسته،** ميزان مدیریت سود شرکتها که در این پژوهش براي تخمين آن از مدل تعـديل شده جونز که در مقاله کوتاری، لیونز و وسلی (2004) ارائه گردیده، استفاده شده است. در اين مدل اقلام تعهدي اختياري پس از طي سه مرحله بصورت زير ساخته ميشود:

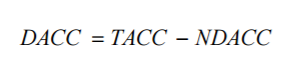
مرحله 1:

مدل فوق بصـورت مقطعـي بـراي گـروه صـنعت تخمـين زده مـيشـود و اقـلام تعهـدي غيراختياري هر شركت با استفاده از ضرايب تخمين زده شده حاصل از مدل مرحله 1 ،بصـورت زير محاسبه ميشود:

مرحله 2:



مرحله 3 :

پس از مشخص شدن اقلام تعهدي غيراختياري، اقلام تعهدي اختيـاري (اقـلام تعهدي مديريت شده) هر شركت كه همان شاخص مديريت سود است، به صـورت زيـر تعريـف ميشود:

**رابطه 1 :**

در مدلهاي فوق Δsale تغييـرات فـروش، PPE امـوال، ماشـين آلات و تجهيـزات و ROA بازده داراييها ميباشد.

**متغیر مستقل،** ﻋـﺪﻡ ﺗﻘـﺎﺭﻥ ﺍﻃﻼﻋﺎﺗـﻲ ﺩﺭ ﺑﻮﺭﺱ ﺍﻭﺭﺍﻕ ﺑﻬﺎﺩﺍﺭ ﺗﻬﺮﺍﻥ که برای محاسبه آن ﺍﺯ مدل زیر ( رابطه 2 ) ﺍﺳﺘﻔﺎﺩﻩ ﺷـﺪﻩ ﺍﺳـﺖ. ﺍﻳـﻦ ﻣـﺪﻝ ﺗﻮﺳـﻂ ﭼـﻴﺎﻧﮓ ﻭ ﻭﻳـﻨﻜﺎﺗﺶ[[19]](#footnote-19) ﺩﺭ ﺳﺎﻝ ١٩٨٦ ﺑﺮﺍﻱ ﺗﻌﻴﻴﻦ ﺩﺍﻣﻨﻪ ﻗﻴﻤﺖ ﭘﻴﺸﻨﻬﺎﺩﻱ ﺧﺮﻳﺪ ﻭ ﻓﺮﻭﺵ ﺳﻬﺎﻡ ﻣﻮﺭﺩ ﺍﺳﺘﻔﺎﺩﻩ ﻗﺮﺍﺭ ﮔﺮﻓﺖ. ﭘﺲ ﺍﺯ ﻭﻱ ﻧﻴﺰ ﺍﻓﺮﺍﺩ ﺩﻳﮕﺮﻱ ﺩﺭ ﺗﺤﻘﻴﻘﺎﺕ ﺧﻮﺩ ﺍﺯ ﺍﻳﻦ ﻣﺪﻝ ﺑﻬﺮﻩ ﮔﺮﻓﺘﻨﺪ. ﻣﺪﻝ ﻳﺎﺩ ﺷﺪﻩ ﺑﻪ ﺷﺮﺡ ﺯﻳﺮ ﺍﺳﺖ: **رابطه 2 :**

|  |  |
| --- | --- |
| AP-BP | SPread it = |
| AP+BP/2 |

که در آن :

i : نمونه مورد بررسی

t : دوره زمانی مورد بررسی

AP ( Ask Price ) : میانگین قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت i در دوره t

BP ( Bid Price ) : میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در دوره t

ﺑـﺮﺍﻱ ﺍﻧﺠـﺎﻡ ﻣﺤﺎﺳـﺒﺎﺕ، ﺍﺑـﺘﺪﺍ ﺩﺍﻣﻨﻪ ﺗﻔـﺎﻭﺕ ﻗﻴﻤـﺖ ﭘﻴﺸﻨﻬﺎﺩﻱ ﺧﺮﻳﺪ ﻭ ﻓﺮﻭﺵ ﺳﻬﺎﻡ استخراج میگردد سپس ﻣﻴﺎﻧﮕﻴﻦ ﺍﻋﺪﺍﺩ ﺑﻪ ﺩﺳﺖ ﺁﻣﺪﻩ ﺑﺮﺍﻱ ﻫﺮ ﻧﻤﻮﻧﻪ محاسبه ﻣﻲ ﺷﻮﺩ، ﺍﮔﺮ ﻣﻴﺎﻧﮕﻴﻦ ﺩﺍﻣﻨﻪ ﺗﻔﺎﻭﺕ ﻗﻴﻤﺖ ﭘﻴﺸﻨﻬﺎﺩﻱ ﺧﺮﻳﺪ ﻭ ﻓﺮﻭﺵ ﺳﻬﺎﻡ ﺻﻔﺮ ﺑﺎﺷﺪ ﻧﺸﺎﻥ ﺩﻫﻨﺪﻩ ﺗﻘﺎﺭﻥ ﺍﻃﻼﻋﺎﺗﻲ ﻭ ﺩﺭ ﻏﻴﺮ ﺍﻳﻦ ﺻﻮﺭﺕ ﻧﻤﺎﻳﺎﻥ ﮔﺮ ﻭﺟﻮﺩ ﻋﺪﻡ ﺗﻘﺎﺭﻥ ﺍﻃﻼﻋﺎﺗﻲ ﺍﺳﺖ. لازم به ذکر است که بزرگی معیار Spread جهت تفکیک سرمایه گذاران آگاه و نا آگاه ، به کار می رود و هرچه عدد محاسبه شده بزرگ تر باشد، عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه گذاران آگاه و نا آگاه بیشتر است.

**متغیر تعدیل گر،** اندازه حسابرس ، تخصص مالی حسابرس و اندازه کمیته حسابرسی میباشد.

**متغیر های کنترل،** پژوهش دارای 4 متغیر کنترل به شرح ذیل میباشد :

-اندازه شركت: با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی های کل در ابتدای سال نشان داده می شود .

-نسبت ارزش بازار به دفتري: از طریق تقسیم ارزش بازار شرکت (حاصل ضرب قیمت سـهام در پایان دوره در تعداد سـهام منتشـر شـده و در دسـت سـهامدارن) بر ارزش دفتری جمع حقوق صاحبان سـهام آن در پایـان دوره اندازه گیری می شـود.

-رشد شركت: از طریق فروش خالص در پايان دوره منهاي فروش خالص در ابتداي دوره تقسيم بر فروش خالص در ابتداي دوره آزمون محاسبه میگردد.

-نسبت بدهي: از طریق تقسیم مجموع بدهی‌ها، به مجموع دارایی‌ها، محاسبه می‌شود.

**مدل پژوهش،** ﺑﺮاي آزﻣﻮن ﻓﺮﺿﻴﻪ های ﺗﺤﻘﻴﻖ و ارزیابی رابطه بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی و میزان تاثیر وجود مالکیت نهادی، از ﺗﺤﻠﻴﻞ ﭼﻨﺪ ﻣﺘﻐﻴﺮه رگرسیونی اﺳﺘﻔﺎده ﺷﺪه اﺳﺖ. جهت ارزیابی فرضیه یک و دو پژوهش به ترتیب رابطه های 3 و 4 برآورد گردیده :

**رابطه 3**

|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

**رابطه 4**

كه در آن: DACC مدیریت سود، ASY عدم تقارن اطلاعاتی، INSTOWN درصد مالکیت سهامداران کنترلی، SIZE اندازه شرکت، MTB نسبت ارزش بازار به دفتری، GROWTH رشد شرکت، LEV نسبت بدهی میباشد.

**آمار توصيفي:**

خلاصه ویژگی­های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق در قالب آماره­های توصیفی در جدول شماره 1، مربوط به داده­های تحقیق ارائه شده است. با توجه به اینکه میزان چولگی و کشیدگی متغیر وابسته به ترتیب مقادیر 203/0- و 313/2 را به خود اختصاص داده است میتوان نتیجه گرفت داده های متغیر وابسته پژوهش از توزیع متقارن و نرمال نیز برخوردار هستند، توضیح اینکه داده های با توزیع نرمال دارای چولگی بین 5/0+ و 5/0- و کشیدگی بین 3+ و 3- میباشند. آماره­های گزارش­شده شامل کمینه، بیشینه، میانگین، انحراف معیار، واریانس، چولگی و کشیدگی هر یک از متغیرهای استفاده شده در تحقیق می­باشد.

«نگاره (1)» آمار توصیفی متغیرهای پژوهش برای شرکتهای نمونه

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| نام متغیر | میانگین | انحراف معیار | واریانس | چولگی | کشیدگی |
| مدیریت سود | 0000/0 | 10553/0 | 011/0 | 185/0- | 312/2 |
| عدم تقارن اطلاعاتی | 12 | 05999/3 | 364/9 | 303/0 | 399/0- |
| اندازه حسابرس | 2447/0 | 43018/0 | 185/0 | 190/1 | 585/0- |
| تخصص مالی | 1795/1 | 00383/1 | 008/1 | 025/0- | 347/1- |
| اندازه کمیته حسابرسی | 0040/2 | 51995/1 | 310/2 | 397/0- | 361/1- |
| اندازه شرکت | 2145/14 | 57344/1 | 476/2 | 826/0 | 823/0 |
| ارزش بازار به ارزش دفتری | 7010/2 | 45571/5 | 765/29 | 231/13 | 518/304 |
| رشد شرکت | 2099/0 | 48200/0 | 232/0 | 286/3 | 807/22 |
| نسبت بدهی | 6025/0 | 21916/0 | 048/0 | 694/0 | 103/3 |

**نتایج حاصل از برآورد مدل و آزمون فرضیه ها:**

ﺑﺮاي اﻧﺘﺨﺎب برآورد مدل ﺑﻴﻦ روش دادهﻫﺎي ﺗﺎﺑﻠﻮﻳﻲ و دادهﻫﺎي تجمیعی از آﻣﺎره آزﻣـﻮن ﻟﻴﻤـﺮ اﺳـﺘﻔﺎده ﺷﺪه اﺳﺖ. با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون چاو (F لیمر) به میزان 533907/0 و 720708/0 در جداول 2 و 3 که بیشتر از سطح خطای 05/0 می باشد مشخص گردید مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی نبوده بنابراین استفاده از روش داده‌های تجمیعی برای مدل فرضیه‌های پژوهش مناسب است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها به شرح ذیل میباشد:

**فرضیه 1 :**  فرضیه اول با عنوان عدم تقارن اطلاعاتي‌، بر مديريت سـود تـاثير معناداري دارد. بیانگرتاثیر پذیری میزان مدیریت سود بر نامتقارن بودن اطلاعات موجود در بین سرمایه گذاران و مدیران شرکت می باشد. در این فرضیه سطح معنی‌داری برای تک تک متغیرها و هم‌چنین برای کل مدل در سطح اطمینان 95 درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تبیین مدل می‌توان ادعا کرد که 0226/0 از تغییرات متغیر وابسته‌ فرضیه‌ پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره‌ دوربین-واتسون می‌توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره‌ دوربین‌ – واتسون محاسبه شده (106/2) که بین 5/2-5/1می‌باشد بیان‌گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول 2 مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آماره‌ t برای متغیر عدم تقارن اطلاعاتی از سطح خطای 5 درصد کمتر است و تأثیرگذاری معنی‌داری عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود تأیید می‌شود و فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود. در بین متغیرهای کنترلی رشد شرکت ارتباط مثبت و معنی دار و سایر متغیرها فاقد ارتباط معنی‌داری هستند.

«نگاره (2)» نتایج حاصل از آزمون فرضیه 1

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| نام متغیر | ضریب | انحراف استاندارد | آماره t | سطح معنی‌داری |
| مقدار ثابت | 043274/0- | 027552/0 | 570589/1- | 1168/0 |
| عدم تقارن اطلاعاتی | 33113/81 | 37322/30 | 677725/2 | 0076/0 |
| اندازه شرکت | 003134/0 | 001888/0 | 660111/1 | 0974/0 |
| ارزش بازار به ارزش دفتری | 000105/0- | 000468/0 | 224892/0- | 8221/0 |
| رشد شرکت | 013416/0 | 006542/0 | 050712/2 | 0408/0 |
| نسبت بدهی | 006226/0- | 012955/0 | 480592/0- | 6310/0 |
| ضریب تعیین: 022620/0 | ضریب تعیین تعدیل شده: 014046/0 | آماره آزمون: 638326/2  سطح معنی‌داری: 022681/0 | آماره دوربین واتسون: 106192/2 | آماره اف لیمر: 533907/0  سطح معنی‌داری: 000/1 |

فرضیه 2-1: کیفیت حسابرسی (اندازه حسابرس) بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر معنا دار دارد.

«نگاره (3)» نتایج حاصل از آزمون فرضیه 2-1

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| نام متغیر | ضریب | انحراف استاندارد | آماره t | سطح معنی‌داری |
| مقدار ثابت | 044300/0- | 028958/0 | 529815/1- | 1266/0 |
| عدم تقارن اطلاعاتی | 18123/73 | 77356/64 | 129801/1 | 2590/0 |
| اندازه حسابرس | 003933/0- | 006981/0 | 563418/0- | 5734/0 |
| عدم تقارن اطلاعاتی × اندازه حسابرس | 553157/8 | 55101/73 | 116289/0 | 9075/0 |
| اندازه شرکت | 003041/0 | 002015/0 | 509429/1 | 1317/0 |
| ارزش بازار به ارزش دفتری | 001405/2- | 000480/0 | 044571/0- | 9645/0 |
| رشد شرکت | 014820/0 | 006701/0 | 211503/2 | 0274/0 |
| نسبت بدهی | 000910/0 | 013195/0 | 068953/0 | 9451/0 |
| ضریب تعیین: 021912/0 | ضریب تعیین تعدیل شده: 009942/0 | آماره آزمون: 830603/1  سطح معنی‌داری: 079019/0 | آماره دوربین واتسون: 116929/2 | آماره اف لیمر: 756864/0  سطح معنی‌داری: 9644/0 |

سطح معنی‌داری برای تک تک متغیرها و هم‌چنین برای کل مدل در سطح اطمینان 95 درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تبیین مدل می‌توان ادعا کرد که 0219/0 از تغییرات متغیر وابسته‌ فرضیه‌ پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره‌ دوربین-واتسون می‌توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره‌ دوربین‌ – واتسون محاسبه شده (116/2) که بین 5/2-5/1می‌باشد بیان‌گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نگاره 2 مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آماره‌ t برای متغیر عدم تقارن اطلاعاتی × اندازه حسابرس از سطح خطای 5 درصد بیشتر است و تأثیرگذاری معنی‌داری عدم تقارن اطلاعاتی × اندازه حسابرس بر مدیریت سود تأیید نمی‌شود و فرضیه دوم پژوهش پذیرفته نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی رشد شرکت ارتباط مثبت و معنی دار و سایر متغیرها فاقد ارتباط معنی‌داری هستند. با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون چاو (F لیمر) مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی نبوده بنابراین استفاده از روش داده‌های ترکیبی برای مدل فرضیه‌های پژوهش مناسب است.

فرضیه 2-2: کیفیت حسابرسی (تخصص مالی) بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر معنا دار دارد.

«نگاره (4)» نتایج حاصل از آزمون فرضیه 2-2

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| نام متغیر | ضریب | انحراف استاندارد | آماره t | سطح معنی‌داری |
| مقدار ثابت | 045629/0- | 027556/0 | 655845/1- | 0983/0 |
| عدم تقارن اطلاعاتی | 47080/81 | 44857/33 | 435704/2 | 0152/0 |
| تخصص مالی | 003670/0 | 002893/0 | 268565/1 | 2051/0 |
| عدم تقارن اطلاعاتی × تخصص مالی | 628443/4 | 40805/77 | 059793/0 | 9523/0 |
| اندازه شرکت | 002610/0 | 001916/0 | 362176/1 | 1737/0 |
| ارزش بازار به ارزش دفتری | 000221/0- | 000468/0 | 472473/0- | 6368/0 |
| رشد شرکت | 014223/0 | 006564/0 | 166778/2 | 0307/0 |
| نسبت بدهی | 004261/0 | 013097/0 | 325349/0 | 7450/0 |
| ضریب تعیین: 025822/0 | ضریب تعیین تعدیل شده: 013731/0 | آماره آزمون: 135634/2  سطح معنی‌داری: 038378/0 | آماره دوربین واتسون: 125292/2 | آماره اف لیمر: 692679/0  سطح معنی‌داری: 9907/0 |

سطح معنی‌داری برای تک تک متغیرها و هم‌چنین برای کل مدل در سطح اطمینان 95 درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تبیین مدل می‌توان ادعا کرد که 0258/0 از تغییرات متغیر وابسته‌ فرضیه‌ پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره‌ دوربین-واتسون می‌توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره‌ دوربین‌ – واتسون محاسبه شده (125/2) که بین 5/2-5/1می‌باشد بیان‌گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نگاره 3 مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آماره‌ t برای متغیر عدم تقارن اطلاعاتی × تخصص مالی از سطح خطای 5 درصد بیشتر است و تأثیرگذاری معنی‌داری عدم تقارن اطلاعاتی × تخصص مالی بر مدیریت سود تأیید نمی‌شود و فرضیه دوم پژوهش پذیرفته نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی رشد شرکت ارتباط مثبت و معنی دار و سایر متغیرها فاقد ارتباط معنی‌داری هستند. با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون چاو (F لیمر) مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی نبوده بنابراین استفاده از روش داده‌های ترکیبی برای مدل فرضیه‌های پژوهش مناسب است.

فرضیه 3 : اندازه کمیته حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر معنا دار دارد.

«نگاره (5)» نتایج حاصل از آزمون فرضیه 3

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| نام متغیر | ضریب | انحراف استاندارد | آماره t | سطح معنی‌داری |
| مقدار ثابت | 044975/0- | 027776/0 | 619208/1- | 1060/0 |
| عدم تقارن اطلاعاتی | 04262/82 | 95778/33 | 416018/2 | 0160/0 |
| اندازه کمیته حسابرسی | 000701/0- | 001878/0 | 373499/0- | 7089/0 |
| عدم تقارن اطلاعاتی × اندازه کمیته حسابرسی | 898728/9- | 17899/74 | 133444/0- | 8939/0 |
| اندازه شرکت | 003008/0 | 001898/0 | 584444/1 | 1137/0 |
| ارزش بازار به ارزش دفتری | 000206/0- | 000469/0 | 438552/0- | 6612/0 |
| رشد شرکت | 013966/0 | 006569/0 | 126089/2 | 0339/0 |
| نسبت بدهی | 003665/0 | 013136/0 | 279027/0 | 7803/0 |
| ضریب تعیین: 023307/0 | ضریب تعیین تعدیل شده: 011185/0 | آماره آزمون: 922689/1  سطح معنی‌داری: 063819/0 | آماره دوربین واتسون: 126003/2 | آماره اف لیمر: 724085/0  سطح معنی‌داری: 9882/0 |

سطح معنی‌داری برای تک تک متغیرها و هم‌چنین برای کل مدل در سطح اطمینان 95 درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تبیین مدل می‌توان ادعا کرد که 0233/0 از تغییرات متغیر وابسته‌ فرضیه‌ پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترل توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره‌ دوربین-واتسون می‌توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره‌ دوربین‌ – واتسون محاسبه شده (126/2) که بین 5/2-5/1می‌باشد بیان‌گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نگاره 4 مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آماره‌ t برای متغیر عدم تقارن اطلاعاتی × اندازه کمیته حسابرسی از سطح خطای 5 درصد بیشتر است و تأثیرگذاری معنی‌داری عدم تقارن اطلاعاتی × اندازه کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تأیید نمی‌شود و فرضیه سوم پژوهش پذیرفته نمی‌شود. در بین متغیرهای کنترلی رشد شرکت ارتباط مثبت و معنی دار و سایر متغیرها فاقد ارتباط معنی‌داری هستند. با توجه به سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون چاو (F لیمر) مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوت‌های فردی نبوده بنابراین استفاده از روش داده‌های ترکیبی برای مدل فرضیه‌های پژوهش مناسب است.

**نتیجه گیری و پیشنهادات:**

اين پژوهش با هدف بررسي رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتي موجود میان مديران شركتها و سرمایه گذاران بازار سرمایه بر ميزان مديريت سود و همچنین تاثیر اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر رابطه بین دو متغیر عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود انجام شده است. براي محاسبه عدم تقارن اطلاعاتي از شکاف بین قیمت پیشنهادی خرید و فروش استفاده شد. نتايج حاصل از آزمون فرضيه های تحقيق، نشان مـيدهـد كـه متغیر شاخص عدم تقارن اطلاعاتي تـاثيري مثبـت و معنادار بر سطح مديريت سود دارد. شيپر (1989) معتقد اسـت يكـي از فـرضهـايي كـه عـدم تقارن اطلاعاتي (پيش شرط مديريت سود) را تداوم ميبخشد، ارتباط بسـته و محـدود مـديران است كه از طريق ترتيبات قراردادي نيز قابل حذف نيست. البته اين مسئله ناشي از ايـن اسـت كه سهامداران در محيطي كه اطلاعات شان كمتر از مديريت است نميتوانند عملكرد شـركت و چشم انداز آتي آن را به طور كامل مشاهده كننـد. در چنـين محيطـي، مـدير مـيتوانـد بـراي مديريت سودهاي گزارش شده از انعطاف پذيري اختيارات خود، استفاده كند. در واقـع توانـايي مدير در به كارگيري روشهاي حسابداري اختياري با هدف مديريت سود، متناسب بـا افـزايش عدم تقارن اطلاعاتي بين او و سهامداران، افزايش مييابـد. نتایج آزمون سایر فرضیه های اين پژوهش حاکی از آن است که ، متغیرهای تعدیل گر کیفیت حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی دارای تاثیر معنا داری بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود نمی باشد. از ايـن رو، نتـايج پژوهش حاضـر در مورد شركتهاي پذيرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، با مباني نظري مربوط مطابقت دارد. یافته های این پژوهش با نتایج پژوهش ایستیانگسی و هری (2017) ریچاردسون (1998) رحماواتی و کوماریاح (2007) مولیاتی (2011) و باباجانی و همکاران (1393) نیز نزدیک می باشد. پژوهش انجام شده میتواند مورد توجه بازیگران بازار سرمایه نيز قرار گیرد. پس از بحران های مالی دهه های گذشته، مدیریت سود مورد توجه بسیاری از فعالین حوزه سرمایه قرار گرفته است. اعمال محدودیت عملیاتی برای مدیران یکی از مواردی است که میتواند بر کنترل مدیریت سود تاثیر گذار باشد اما با توجه به اینکه اصولاً اعمال مدیریت سود با اهداف خاص از طریق رویه های پذیرفته شده حسابداری و همچنین تصمیم گیری عملیاتی هدفمند مدیران صورت می پذیرد، اعمال این گونه محدودیتها دارای عواقب ناخواسته و کنترل نشده نیز می باشد به نحوی که مدیران میتوانند با ساختار بندی هوشمندانه و تجزیه و تحلیل دقیق قوانین و محدودیتهای مذکور به اهداف از پیش تعیین شده خود دست یابند. با ارائه اطلاعات شفاف میتوان میزان عدم تقارن اطلاعاتي بـين مـديران شرکتها و سـرمايه گـذاران را کاهش داد و از این طریق میتوان انگيزه هاي مديران براي مديريت سود را كاهش دهد، لذا سیاستگذاران کلان برای رفع ناهنجاری های احتمالی موجود می بایست بر توزیع عادلانه و کارای اطلاعات تمرکز و نظارت نمایند. با توجه به موارد بررسی شده در پژوهش حاضر پیشنهاد میگردد:

الف ) پیشنهاد میگردد با توجه به اینکه اعمال مدیریت سود از طریق انتخاب رویه های حسابداری یکی از متداولترین روشهای مدیریت سود می باشد، میزان تاثیر گذاری هر یک از این روشها نظیر روشهای ارزیابی موجودی کالا، روشهای ارزیابی و برآورد های نرخ مطالبات مشکوک الوصول و... به صورت مجزا بررسی و نتایج حاصله مقایسه گردد. ب ) با توجه به اینکه در پژوهش حاضر مدیریت سود با استفاده از مدل تعـديل شده جونز که مبتنی بر اقلام تعهدی می باشد برآورد گردیده، پیشنهاد میگردد در سایر پژوهشهای آتی مدیریت سود از طریق مدلهای مبتنی بر منظر هدف اعمال مدیریت سود محاسبه و نتایج حاصله مقایسه گردد. بررسی از منظر هدف میتواند به تصمیمات و سیاست گذاری قانون گذاران کمک شایانی نماید.ج ) پیشنهاد میگردد در پژوهش های آتی از سایر پیش فرض های اعمال مدیریت سود نظیر هموار سازی سود استفاده گردد. د ) پیشنهاد میگردد از سایر مولفه های حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر تعدیل گر بر رابطه بین متغیر های اصلی و وابسته استفاده گردد.

**فهرست منابع**

* بابا جانی ، جعفر و تحریری ، آرش و ثقفی ، علی و بدری ، احمد (1393) رابطه بين عدم تقارن اطلاعاتي و مديريت سود مجله ي پيشرفت هاي حسابداري دانشگاه شيراز دوره ي ششم، شماره ي دوم، پاييز و زمستان 1393 ، صفحه هاي 1-26
* جنانی، محمد حسن و آبخیز، مریم (۱۳۹۵) بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی، محافظه کاری حسابداری و کارایی سرمایه گذاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین المللی ایده های نوین در مدیریت , اقتصاد و حسابداری
* خواجوی, شکرالله, دهقانی سعدی, علی اصغر, گرامی شیرازی, فرزاد. (1395) تأثیر خودشیفتگی مدیران بر مدیریت سود و عملکرد مالی. پیشرفت‌های حسابداری، پاییز و زمستان 1395، صفحه های 123-149
* قالیباف اصل، حسن و ولی زاده، فریده (1395) بررسي رابطه بين سياست تقسيم سود با عدم تقارن اطلاعاتي و نقد شوندگي سهام فصلنامه راهبرد مدیریت مالی، شماره 14، پاییز 1395، صفحه های 1-23
* موسوی شیری، سید محمود و پیشوا، فاطمه و خلعتبری, حسن (1395) ارزیابی مدیریت سود در سطوح مختلف محافظه کاری و سرمایه‎گذاران نهادی با استفاده از قانون بنفورد. فصلنامه علمی-پژوهشی بررسیهای حسابداری وحسابرسی ، پاییز و زمستان 1395، صفحه های 213-234
* Chaney, S. K., & Lewis, C. M. (1995) Earnings management and firm valuation under asymmetric information. Journal of Corporate Finance: Contraction, Governance and Organization, NO 1, PP 319-345.
* Cormier, D., and Ledoux, M. (2012) Performance Reporting by Oil and Gas Firms: Contractual and Value Implications". Journal of International Accounting, Auditing & Taxation, No 11, PP 131–153.
* Dye, R. (1988) Earnings management in an overlapping generation’s model. Journal of Accounting Research, NO 26, PP 195-235.
* Fu, R, Pornsit, K, A & Zhang, H. (2014) Financial reporting frequency, information asymmetry, and the cost of equity. Journal of Accounting and Economics. NO 54, PP 132–149.
* Han, S. & Zhou, X. (2014) Information Asymmetry in Corporate Bond Trading, Credit Risk, and Yield Spread. Rutgers University.
* Istianingsih, A & Harry, M. (2017) Does corporate Governance as a Moderating Variable Influence the relationships between Asymmetry information and earning management. Journal of International Business Management, No 11, PP 859-864.
* Lin, L, Wu, C. M, Fang, T, Y. & Wun, G. C. (2014) The relation among accounting conservatism, institutional investors and earnings manipulation. Economic Modeling, No 37, pp 164-174.
* Muliati, K. N. (2011) Effect of information asymmetry and company size on earnings management practices in banking companies listed in Indonesia stock exchange. MSc Thesis, University of Udayana, Denpasar, Indonesia.
* Merchant, K.A. (1981) The control function of management. (In Indonesia). Sloan Manage. NO 23, PP 43-55.
* Petacchi, R. (2015) Information Asymmetry and Capital Structure Evidence from Regulation FD. Journal of Accounting and Economics, NO 59, PP 143-162.
* Richardson, V. (2000) Information asymmetry and earnings management: Some evidence. Review of Quantitative Finance and Accounting, NO 15, PP 325-347.
* Rahmawati, S.Y. & Qomariyah, N. (2007) Effect of information asymmetry on earning management practices in the public banking companies listed on the Jakarta Stock Exchange in Indonesia. J. Accounting Res. Indonesia, NO 10, PP 68-89
* Sinan, S & Abbadi, Q, & Hijazi, F & Ayat, S, Al-Rahahahleh. (2016) Corporate Governance Quality and earning Management: Evidence from Jordan, Australasian Accounting Business and Finance Journal, No 2, PP 54-75
* Schipper, K. (1989) Earnings management. Accounting Horizons, NO 3, PP 91-106.
* Syakhroza, A. (2005) Corporate governance: Sejarah dan perkembangan, teori, model, dan system governance serta aplikasinya pada perusahaan BUMN. University Indonesia, Jakarta.
* Tanor, L, (2009) Importance of disclosure minimize financial statements information asymmetry in Indonesia. J. Formas, NO 2, PP 287-294
* Trueman, B, & Titman, S. (1988) An explanation for accounting income smoothing. Journal of Accounting Research, 26 (Supplement),PP 127-139.
* Warfield, T. D, Wild, J. J, & Wild, K. L. (1995) Managerial ownership, accounting choices, and in formativeness of earnings. Journal of Accounting and Economics, No 20, PP 91-61

**The Effect of the Audit Committee Quality and Size on the Relationship Between Information Asymmetry and Earnings Management of Companies Listed in Tehran Stock Exchange**

**Abstract**

The accounting standards flexibility in employing accounting methods has encouraged managers and companies to provide targeted financial reports and apply clever earnings management practices. Regarding the fact that information asymmetry is one of the presumptions of earnings management, the present research investigates the effect of audit quality and size of the company's audit committee on the relationship between information asymmetry and earnings management of companies listed in Tehran Stock Exchange. The companies' information asymmetry level was measured using the difference between the bid–ask spread and the rate of earning's management of companies using the modified Jones model. The study period is within 2011-2015 period and the sample size is equal to 144 companies listed in Tehran Stock Exchange. The results of multivariate linear regression analysis based on panel data indicated that information asymmetry on earnings management of companies listed in Tehran Stock Exchange also had a significant effect, and moderating variables of audit quality (auditor size and expertise) and the audit committee size does not significantly affect the relationship between the independent and dependent variables.

**Keywords:** Information asymmetry, earnings management, audit quality, audit committee size, accruals

1. Rahamawati & Qomariyah [↑](#footnote-ref-1)
2. Tanor [↑](#footnote-ref-2)
3. Istianingsih & Harry [↑](#footnote-ref-3)
4. Schipper [↑](#footnote-ref-4)
5. Warfiled [↑](#footnote-ref-5)
6. Dye [↑](#footnote-ref-6)
7. Trueman & Titman [↑](#footnote-ref-7)
8. Chaney & Lewis [↑](#footnote-ref-8)
9. Richardson [↑](#footnote-ref-9)
10. Muliati [↑](#footnote-ref-10)
11. Merchant [↑](#footnote-ref-11)
12. Syakhroza

    13 Herwaty [↑](#footnote-ref-12)
13. Sinan [↑](#footnote-ref-13)
14. Petacchi [↑](#footnote-ref-14)
15. Han & Zhou [↑](#footnote-ref-15)
16. Fu [↑](#footnote-ref-16)
17. Lien [↑](#footnote-ref-17)
18. Cormier [↑](#footnote-ref-18)
19. Chiang & Venkatesh [↑](#footnote-ref-19)